

خشونت فراموش شده: زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی خواهر - برادرآزاری (مطالعه موردی دانش‌آموزان دبیرستانی ناحیه یک و ناحیه شش مشهد)

نوشین حسینی^۱، سید مهدی سیدزاده ثانی^{۲*}، سید حسین حسینی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

۲. استادیار گروه حقوق، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

۳. دانشیار گروه حقوق، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

دریافت: ۱۴۰۰/۲/۱۲ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲۱

چکیده

در دهه‌های گذشته، پژوهش‌های گسترده‌ای در حوزه خشونت خانگی بویژه خشونت علیه زنان و کودکان انجام شده است؛ اما در مورد شکل دیگری از خشونت خانگی یا همان خواهر - برادرآزاری نه تنها از سوی پژوهشگران کم‌توجهی شده است، بلکه اغلب والدین نیز رفتارهای خشونت‌آمیز فرزندان نسبت به یکدیگر را به مثابه رفتارهای معمول کودکان نادیده می‌گیرند. این در حالی است که اغلب این موارد، تأثیرات عمیق و مخربی بر رشد و شناخت اجتماعی کودکان می‌گذارد و به تبع آن در افزایش احتمال ارتکاب رفتارهای مجرمانه نیز اثرگذار است. در این میان، عوامل اجتماعی و فرهنگی پدیده پنهانی هستند که شکل روابط افراد را در خانواده‌ها مشخص می‌نماید. پژوهش حاضر به توصیف شیوع خواهر - برادرآزاری با هدف بررسی زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خانواده‌های دانش‌آموزان پرداخته است.



مطالعه به شیوه پیمایشی در میان ۶۰۰ نفر از دانش‌آموزان دبیرستانی نواحی یک و شش شهر مشهد با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته در دو بخش خوداعلامی بزه‌دیدگی و بزهکاری با آلفای کرونباخ ۰,۹۱۸، طراحی، و در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ انجام شد. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی خانواده‌ها مانند تحصیلات ناکافی والدین، فقر و بیکاری بر میزان شیوع خشونت میان خواهر و برادرها تاثیرگذار است و دانش‌آموزانی که به لحاظ زمینه‌های خانوادگی سطح پایین‌تری نسبت به سایرین داشتند، خشونت در میان آن‌ها رواج بیشتری داشته است.

این پژوهش نشان می‌دهد که عوامل اجتماعی و سطح فرهنگی درون خانواده‌ها، بر میزان خشونت بین فرزندان مؤثر است؛ بنابراین چنانچه جامعه‌ای بتواند از طریق آموزش و رسانه مؤلفه‌های هنجاری و فرهنگی خانواده‌ها را تقویت نماید، می‌تواند سبب ارتقای سلامت خانواده‌ها شود. قانون‌گذار ایران با تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، گامی مهم جهت مقابله با این نوع خشونت رفتاری برداشته است.

واژگان کلیدی: خشونت خانگی، خواهر - برادر آزاری، خوداعلامی بزه‌دیدگی، خوداعلامی بزهکاری، دانش‌آموزان دبیرستانی شهر مشهد

۱. مقدمه

انسان موجودی است که ذاتاً تمایل به زندگی در اجتماع دارد. هرچند زندگی جمعی بدون مشکلات رفتاری، همیشه تصویری ایده‌آل برای جوامع بشری بوده، اما به حقیقت پیوستن این تصویر امری دشوار است. عواملی همچون میل به بقا، شرایط محیطی و رسیدن به خواسته‌ها، موجب استفاده از گرایز انسانی مانند خشم می‌گردد. جذابیت پژوهش پیرامون مسأله خشونت، همواره ذهن پژوهشگران بسیاری را به خود مشغول داشته و آن‌ها را به پژوهش در این حوزه ترغیب نموده است. بویژه مسأله اعمال رفتار خشونت‌آمیز درون خانواده‌ها که از ۱۹۶۰ به بعد توجهات بیشتری را به خود معطوف داشته است. رفتاری که زمانی سعی بر پوشیده بودن و مخفی ماندن آن در حریم خصوصی افراد می‌شد، امروزه به دلیل تحولات فرهنگی، به یک چالش جهانی و بین‌المللی بر سر راه پژوهشگران بدل شده است تا با شناسایی عوامل و زمینه‌ها، موجبات پیشگیری از آن را فراهم آورند.

رفتارهای تهاجمی و خشونت‌های رخ داده بین افراد از عواملی است که بستگی تام به ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و عوامل شخصیتی و روانی افراد دارد. در نتیجه، بررسی تاثیر این عوامل بر خشونت می‌تواند اقدامات پیشگیرانه را جهت ارتقای سلامت خانواده‌ها فراهم آورد. عوامل و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی پدیده‌های پنهانی هستند که بر نوع و شکل روابط افراد در خانواده مؤثر است و دگرگونی در این زمینه، موجب تعارض در روابط میان اعضای یک خانواده می‌شود. از سوی دیگر، حفظ امنیت در خانواده زمانی فراهم است که نسبت به تمام اشکال خشونت در خانواده، شناخت کافی برای افراد جامعه حاصل شود. در دهه‌های گذشته، پژوهش‌های گسترده‌ای در حوزه خشونت خانگی بویژه خشونت علیه زنان و کودکان انجام شده است؛ اما خشونت خواهر - برادرآزاری، به‌رغم گسترش و پیامدهای منفی و مخرب آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ درحالی که با کمی تامل می‌توان با شناسایی و درمان خشونت بین خواهر و برادرها، جلوی سایر اشکال خشونت خانگی را در اغلب مواقع گرفت. به این دلیل که زوجین نیز خود، در محیط خانواده پرورش یافته‌اند و تعاملات بین آنها و خواهر و برادرانشان و سایر اعضای خانواده نقش تاثیرگذاری بر نحوه رفتار آنان در آینده دارد.

اصطلاحی که در منابع لاتین به عنوان خواهر - برادرآزاری مطرح می‌شود، شکلی از خشونت خانگی است؛ خشونتی که فرزندان یک خانواده علیه یکدیگر اعمال می‌کنند و در بیشتر اوقات با بی‌توجهی والدین رو به رو می‌شود که رفتار آنان را عادی و به حساب شیطنت‌های کودکان می‌گذارند. حال آنکه رفتار خشونت‌آمیز میان خواهر و برادرها آنها را وارد یک چرخه انتقام‌جویی می‌کند که اگر با واکنش مناسب بزرگ‌ترهای خود رو به رو نشود، این رفتار رفته رفته تداوم می‌یابد و تبدیل به یک مسأله آزار دهنده می‌شود؛ مسأله‌ای که آنچنان برای افراد عادی تلقی می‌شود که به دشواری می‌توانند آن را خشونت تلقی نمایند.

اکنون، پرسش اصلی این است که تا چه زمان رابطه خواهر و برادر را می‌توان عادی انگاشت و در چه مرحله‌ای می‌توان آن را اعمال خشونت دانست؟ پاسخ به چنین پرسشی در سایه انجام پژوهش‌های میدانی - اعم از کیفی و کمی - داده می‌شود. با این وجود، برخی از



پژوهشگران معتقدند در هنگام بررسی خشونت خواهر - برادرآزاری، سه حوزه باید مدنظر قرار گیرد: نخست آنکه، باید دید خواهر و برادرها چه درک و دیدگاهی نسبت به روابط خود با یکدیگر دارند. در نتیجه اگر خواهر یا برادری رفتار دیگری را آزار تلقی کند، دیگر آن را نمی‌توان رفتار عادی و صرفاً رقابت کودکانه تلقی نمود. دوم، قصد و نیت مرتکب است. در اینجا هدف اصلی و اولیه مرتکب، آزار رساندن به خواهر یا برادر خود می‌باشد که می‌تواند با انگیزه‌های مختلف همچون قدرت‌نمایی، کنترل خواهر یا برادر ضعیف‌تر و غیره باشد. در آخر، تداوم و شدت رفتار آزار دهنده است.

زمانی که رفتاری آزار دهنده به طور مداوم و شدید بین طرفین صورت بگیرد، به آن خواهر - برادرآزاری گفته می‌شود (Morrill & Bachman, 2013, p. 1696-1697, Kiselica & Morrill-Richards, 2007, p. 1694). این سه حوزه درک، قصد و شدت بر روی انواع خواهر - برادرآزاری قابل بررسی است. خواهر - برادرآزاری نیز مانند سایر انواع خشونت خانگی، سه حالت عمده دارد:

۱) خواهر - برادرآزاری جسمی یا فیزیکی

منظور از خواهر - برادرآزاری جسمی یا فیزیکی این است که خواهر یا برادری به طور عمدی و آگاهانه به خواهر یا برادر خود آسیب‌های فیزیکی وارد نماید. هرچند که مطالعات نشان داده است که خشونت خواهر و برادرها با افزایش سن کاهش می‌یابد، اما حداقل دو سوم نوجوانان در سال یک‌بار حمله فیزیکی علیه خواهر یا برادر خود شکل می‌دهند (Hoffman, Kristi & Edwards, 2004, p. 187).

این گونه از خشونت در میان خواهر و برادرها طیف وسیعی را تشکیل می‌دهد و از مرحله خفیف که شامل هل دادن است تا مرحله‌ی شدید آن یعنی قتل را دربرمی‌گیرد. برخی از این رفتارها شامل ضرب و شتم، خراشیدن با ناخن، لگد زدن، گاز گرفتن، چنگ زدن، هل دادن، چاقو زدن، مو کشیدن، آب دهان ریختن، مشت زدن، سیلی زدن، اقدام به خفه کردن و سوزاندن و غیره است (Hoffman, Kiecolt & Edwards, 2005, p. 115).

۲) خواهر - برادر آزاری روانی و عاطفی

در خشونت روانی، مرتکب با استفاده از کلمات یا رفتارهای آسیب‌زا سبب می‌شود تا خشونت- دیده را تحت کنترل درآورد یا به وی آسیب وارد کند؛ این قسم خشونت شامل مواردی همچون تحقیر، بی‌حرمتی، ترساندن، تمسخر، توهین، نامگذاری، تهدید، شکستن وسایل، کنترل رفتار و تعیین بایدها و نبایدها، ایجاد محدودیت در رفت و آمد یا دسترسی به تلفن، حبس یک فرد و غیره است (Morill & Bachman, 2013, p. 1699).

در اغلب منابع لاتین خشونت روانی شیوع بیشتری نسبت به دیگر خشونت‌ها دارد؛ چرا که از یک‌سو، بیشتر بزهدیدگان نمی‌دانند که مورد خشونت قرار گرفته‌اند یا آزار متحمل شده را آن‌قدر قابل اهمیت نمی‌دانند که گزارش نمایند؛ در نتیجه اغلب بزهدیدگان پیام‌های اهانت‌آمیز را می‌پذیرند و درونی می‌کنند و آن را به تدریج جزیی از هویت و شخصیت خود می‌دانند. از سوی دیگر، این شکل از خشونت از دیدگاه مرتکب با تقبیح زیادی همراه نیست و هنگام اعمال آن نسبت به سایر رفتارهای خشن دچار عذاب وجدان کمتری می‌شود.

در پژوهشی که توسط ویه در سال ۱۹۹۰ بر روی فرزندان ۱۵۰ خانواده انجام داده است، مشخص شد که ۷۸٪ افراد نمونه، خشونت روانی مانند ارباب، تحریک، از بین بردن اموال و شکنجه و کشتن حیوانات خانگی را تجربه نمودند (Wiehe, 1997, pp. 38-40).

۳) خواهر - برادر آزاری جنسی

خشونت جنسی بین خواهر و برادرها پنهانی‌ترین شکل از خواهر - برادر آزاری است. تحمیل هر نوع رفتار جنسی را - که گاه از یک لمس می‌تواند شروع شود و تا مرحله تجاوز شدت یابد - خشونت جنسی می‌گویند. از میان رفتارهای جنسی بین خواهر و برادرها می‌توان به لمس، نوازش، تماس جنسی، شوخی‌های جنسی، روابط جنسی و غیره اشاره نمود. هر چند تخمین شیوع این پدیده دشوار است، اما مطالعات حاکی از وسعت آن است. پژوهش‌ها در امریکا نشان می‌دهد که تجاوز جنسی از سوی خواهران و برادران ۵ برابر بیشتر از سوی والدین آنها صورت گرفته است (Schutz & Adler, 1995, p. 818).



خشونت‌های جنسی بویژه در بین خواهر و برادرها امری است که می‌تواند چالش‌های بیشتری به دنبال داشته باشد و در صورت آشکار شدن آن، روابط تمام اعضای خانواده را مختل می‌نماید. در بیشتر مواقع این موارد به دلیل عواقب قانونی و مجازات سنگین آن گزارش نمی‌شود و همواره والدین بر سر دو راهی محافظت از قربانی یا مرتکب می‌مانند.

۲. نگاهی به گفتمان تقنینی ایران در خصوص خواهر-برادرآزاری

با مشخص شدن گونه‌های مختلف خواهر - برادرآزاری، باید دید قانونگذار تا چه مرحله به موضوع خشونت میان خواهر و برادرها پرداخته است؟ از آنجا که در اغلب موارد طرفین درگیر این خشونت زیر ۱۸ سال هستند، یکی از قوانین حایز اهمیت در ایران قانون حمایت از اطفال و نوجوانان است. با تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در ۱۳۹۹، قانونگذار گامی مهم و تاثیرگذار در جهت قانون‌مند کردن روابط بین خواهر و برادرها برداشت. تا قبل از آن، در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱، قانونگذار بی‌آنکه قائل به تفکیک بین طفل و نوجوان گردد، دامنه حمایت خود را برای افراد زیر ۱۸ سال در نظر گرفته بود و به صورت کلی هر نوع آزار کودکان را که موجب صدمه جسمانی، روانی و اخلاقی می‌شد، تحت شمول قانون قرار داده بود. خشونت جنسی مربوط به زنا با محارم، در ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جرم انگاری شده و مجازات آن اعدام است؛ مگر اینکه طرفین یا یکی از آنان نابالغ باشد که حسب مورد اقدامات تامینی در نظر گرفته می‌شود. اما در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، سایر اشکال خشونت جنسی خواهر و برادرها نیز مورد توجه قانونگذار قرار گرفت. در ماده ۱۰ و بندهای ذیل آن آمده است: «هرکس نسبت به طفل یا نوجوان مرتکب آزار یا سوءاستفاده جنسی شود، در صورتی که مشمول مجازات حد نباشد ... چنانچه آزار جنسی تماسی یا غیر تماسی توسط محارم صورت بگیرد به ترتیب به مجازات تعزیری درجه ۵ و ۷ محکوم می‌شود». این امر حاکی از اهمیت سایر اشکال خشونت جنسی برای قانونگذار است.

علاوه بر خشونت جنسی، براساس بند «ژ» ماده ۳ قانون یاد شده، چنانچه طفل یا نوجوان مورد سوء رفتار قرار بگیرد، وضعیت مخاطره‌آمیز محسوب می‌شود و موجب مداخله و

حمایت قانونی از وی می‌گردد. قانونگذار در ماده ۲ همین قانون سوء رفتار را چنین تبیین نموده است: «سوء رفتار، هرگونه فعل یا ترک فعل عمدی [است] که سلامت جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی طفل و نوجوان را در معرض خطر و آسیب قرار دهد؛ از قبیل ضرب و جرح، محبوس کردن، سوء استفاده جنسی، توهین یا تهدید نسبت به طفل یا نوجوان در صورتی که جنبه تأدیبی نداشته باشد یا قرارداد او در شرایط سخت و غیرمتعارف و یا خودداری از کمک به وی»؛ بنابراین، همان‌طور که در این ماده آمده، قانونگذار علاوه بر تعرض جنسی، خشونت‌های روانی و جسمی را نیز مورد توجه قرار داده است. همچنین قانونگذار مصادیق خشونت را توسعه داده و به حمایت از تحصیل اطفال و نوجوانان پرداخته است؛ به گونه‌ای که گویی ممانعت از تحصیل کودک را نوعی خشونت روانی در نظر گرفته و به حمایت از حق تحصیل پرداخته است. به این ترتیب اگر یکی از برادر یا خواهر مسئولیت نگهداری و مراقبت از طفل را برعهده داشته و اسباب امتناع از تحصیل طفل را فراهم نماید، مطابق ماده ۷ قابل مجازات است. از دیگر سو، چنانچه سهل‌انگاری والدین موجب این خشونت گردد، طبق ماده ۹ این قانون قابل مجازات است.

با آنکه قانونگذار تلاش مهمی در جهت حمایت کیفری از بزه‌دیدگان خشونت خواهر - برادرآزاری نموده است، ولی همچنان این مسأله مطرح است که تمام اشکال و مصادیق این خشونت مورد توجه قانونگذار قرار نگرفته است و صرفاً چتر حمایتی قانونگذار تا سن ۱۸ سال است؛ در حالی که بسیاری از گزارش‌ها نشان می‌دهد که برخی از خشونت‌ها خارج از این محدوده سنی اعمال می‌شود.

۳. ادبیات نظری پژوهش

از آنجا که خشونت خانگی ریشه در مسائل جامعه‌شناختی دارد، به همین دلیل تمام نظریه‌های جامعه‌شناسی قادر به تبیین موضوع می‌باشند. در اینجا نظریه‌های جامعه‌شناسی در حوزه خشونت خانگی که با آن چارچوب فرضیه تبیین می‌شود به دو دسته تقسیم می‌شود: دسته‌ای از نظریه‌ها، به ابعاد کلان جامعه توجه دارند و ساختارهای اجتماعی را مورد بررسی قرار

می‌دهند؛ دسته دیگر، نظریه‌هایی هستند که ابعاد خُرد را مورد توجه قرار داده و رفتارهای منحرفانه را آسیب‌شناسی می‌کنند.

۳-۱. ساختارهای اجتماعی (ابعاد کلان)

ذیل این عنوان، نظریه فشار اجتماعی قابل طرح و بررسی است. نظریه فشار، ماهیتی جامعه-شناسانه دارد و تمرکز آن بیشتر بر روی ساختارها و شرایط اجتماعی است تا بر روی افراد یک جامعه. در واقع نظریه فشار، ساختارها و عوامل اجتماعی را مؤثر بر رفتارهای مجرمانه و منحرفانه می‌داند. از منظر این دیدگاه، جرم یک آسیب اجتماعی است و مجرم محصول جامعه خویش است.

مهم‌ترین نظریه در این ارتباط، نظریه فشار ساختاری مرتون (یا همان نظریه آنومی) است که عدم‌دستیابی به اهداف فرهنگی جامعه را سبب فشار می‌داند. همچنین نظریه فشار عمومی اگنیو که عواملی همچون عدم دستیابی به اهداف ارزشمند و مثبت زندگی، از بین رفتن انگیزه و محرک‌های مثبت در زندگی افراد و حضور انگیزه و محرک‌های منفی را منشأ تولید فشار در تمام طبقات اجتماعی می‌داند و نظریه ناکامی منزلتی کوهن که اعتقاد دارد عدم‌دستیابی به جایگاه اجتماعی، فشار ایجاد می‌کند و نتیجه آن تولید خرده فرهنگ‌های منحرفانه و مجرمانه است (Agnew, 1992, p. 51).

۳-۲. آسیب‌شناسی رفتار منحرفانه (ابعاد خُرد)

رابطه جرم و فرهنگ در دو بُعد بررسی می‌شود: بُعد کلان که ساختارهای اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهد و بُعد خُرد که رفتارهای منحرفانه را آسیب‌شناسی می‌کند؛ بنابراین، ریشه تمام رفتارهای منحرفانه را نمی‌توان در ساختارهای اجتماعی دنبال نمود.

یکی از نظریه‌هایی که به آسیب‌شناسی در ابعاد کوچک‌تر می‌پردازد نظریه یادگیری اجتماعی است. بر اساس این نظریه، رفتار منحرفانه ماهیتی فرهنگی و اکتسابی دارد و رفتار مجرمانه از طریق مشاهده و تقلید فرا گرفته می‌شود. ادوین اچ. ساترلند و دونالد کُرسی -

نظریه پردازان این حوزه - معتقدند انسان‌ها رفتارهای خود را در معاشرت با دیگران در گروه-های مختلف و یا در محل‌های خاص آموزش می‌بینند و یاد می‌گیرند؛ به دیگر سخن، افراد در فرایندهای اجتماعی و در جریان همنشینی‌های افتراقی رفتارها را یاد می‌گیرند (وایت و هینز، ۱۳۹۴، صص ۱۵۸-۱۵۹).

از دیگر نظریه‌ها در سطح خُرد، نظریه خرده فرهنگ خشونت است که در سال ۱۹۶۷ توسط ولفگانگ و فراکوتی توسعه یافت. از نظر آنان خشونت، ذیل مجموعه‌ای از نظریه‌های مختلف جامعه‌شناختی (همچون منازعه فرهنگ، معاشرت ترجیحی، نظام‌های فرهنگی) و روان-شناختی (همچون نظریه‌هایی در مورد یادگیری، شرطی شدن، هویت ترجیحی) است. به طور خلاصه بر اساس نظریه ایشان، هرچند افراد کجرو واجد خرده فرهنگ و ارزش‌های متفاوت با فرهنگ مرکزی می‌باشند، ولی تفاوت‌های آن کلی و در تعارض کامل با فرهنگ اصلی نیست (فرانکلین، ۱۳۸۳، صص ۱۳۹-۱۴۰).

۴. ادبیات تجربی پژوهش

پژوهش‌های بسیاری به زبان فارسی در رابطه با خشونت‌های خانگی انجام شده است که عمدتاً موضوع این پژوهش‌ها کودک‌آزاری و یا همسرآزاری بوده و تقریباً هیچ پژوهش روش-مندی تاکنون در خصوص بُعد دیگر خشونت خانگی یا خواهر - برادرآزاری با رویکرد جرم-شناختی به انجام نرسیده است. در این زمینه تنها می‌توان به مقاله «تعارضات خواهر - برادری، جنسیت و الگوهای فرزندپروری در دانش‌آموزان» نگاشته حسن‌نیا، فرح بخش، کرم رازی، دوستیان و وازپور اشاره داشت که به بررسی تعارضات خواهر - برادری و ارتباط آن با سبک‌های فرزندپروری فارغ از نگاه جرم‌شناسی و با رویکرد مشاوره‌ای و تربیتی پرداخته‌اند. البته برخی از منابع فارسی به صورت غیرمستقیم و در هنگام بحث پیرامون قتل‌های ناموسی و زنا با محارم به این موضوع اشاره کرده‌اند؛ اما ادبیات فارسی در خصوص خواهر - برادرآزاری به عنوان شکلی از خشونت‌خانگی کاملاً فقیر است. از سوی دیگر ادبیات غیر



فارسی در خصوص این موضوع، فراوانی و غنای بیشتری دارد. به هر رو، در مقام مقایسه با دیگر انواع خشونت‌خانگی، در پژوهش‌های غیر فارسی نیز کمتر به این عنوان پرداخته است. شایان ذکر است که میزان شیوع خشونت به دلایل مختلف از جمله هنجارها، فرهنگ و اعتقادات در خانواده‌ها بسیار دشوار است. با این حال نتایج و چکیده یافته‌های پژوهش‌های خارجی در زمینه خواهر - برادرآزاری را براساس روش کار به دو دسته شیوع‌شناسی و علت‌شناسی می‌توان تقسیم نمود:

میزان فراوانی و گسترده‌گی: هافمن و همکارانش در جریان مطالعه‌ای که در ارتباط با ۶۵۱ دانش‌آموز با بازه سنی ۱۷ تا ۱۹ سال در شهر ویرجینای آمریکا انجام دادند دریافتند که تقریباً حدود ۶۹٪ از دانش‌آموزان مرتکب حداقل یک عمل خشونت‌آمیز شده بودند و کمتر از ۵٪ آنان مرتکب خطرناک‌ترین اعمال خشن مانند خفه کردن و استفاده یا تهدید به وسیله از سلاح نسبت به خواهر یا برادر خود شده بودند که اغلب پاسخ‌دهندگان این رفتار مردان بودند (Hoffman, Kiecolt & Edwards, 2005, p.1123-1125). مطالعات در زمینه پرخاشگری فیزیکی نشان می‌دهد که تجربه خشونت فیزیکی از سوی خواهر و برادرها بیشتر از سایر گروه‌های دیگر مانند دوستان و حتی والدین است (Caspi, 2011, p: 10-11).

در سال ۱۹۹۷، ویه بر روی ۱۵۰ نفر بزه‌دیده بزرگسال خواهر - برادرآزاری مطالعه نمود و دریافت که بیشترین فراوانی با میزان ۷۸٪ مربوط به خشونت عاطفی و کلامی است که شایع‌ترین شکل خشونت میان خواهر و برادرها می‌باشد (Wiehe, 1997, p. 43-45). پژوهش‌ها در زمینه خشونت روانی بین خواهر و برادرها، به‌رغم شیوع بیشتر آن، زیاد مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته و تحقیقات کمتری در این رابطه وجود دارد.

بررسی‌های فینکلهور در سال ۱۹۸۰ بین ۷۹۶ دانشجوی کارشناسی در شش دانشگاه نیوانگلند آمریکا نشان داد که ۱۵٪ زنان و ۱۰٪ از مردان در دوران کودکی با یک خواهر و برادر خود نوعی از روابط جنسی را تجربه کرده بودند و شایع‌ترین رفتار، لمس و نوازش جنسی گزارش شده بود. در این پیمایش یافته‌ها نشان می‌داد که زنان بیش از مردان قربانی خشونت‌های جنسی قرار گرفته بودند (Finkelhor, 1980, p:191-192).

علت‌شناسی: مطالعات در زمینه علت‌شناسی نشان داده است که اغلب خانواده‌هایی که روابط خشونت‌آمیز با یکدیگر دارند میزان خشونت در میان فرزندان آنها بیشتر است. مطالعات انجام شده بر روی ۴۹۸ کودک در آمریکا حاکی از آن است که ۳۷٪ از کودکانی که در خانواده‌هایی بدون رفتار خشونت‌آمیز زندگی می‌کنند مرتکب حداقل یک عمل خشونت فیزیکی علیه خواهر و برادر خود در طی یک سال شده‌اند؛ حال آنکه ۱۰۰٪ کودکان با خانواده‌های با سابقه خشونت خانگی حداقل یکی از اشکال خشونت فیزیکی خطرناک علیه خواهر یا برادر خود، مرتکب شدند (Straus, Murray, Gelles, 1990, p. 98).

هافمن در سال ۲۰۰۴ بر اساس مطالعات خود در زمینه خشونت فیزیکی خواهرها و برادرها، بیان می‌کند که هنجارهای فرهنگی، ساختارهای اجتماعی و خانوادگی و شکل واکنش والدین به خشونت فرزندان، رفتارهای خشونت‌آمیز میان خواهرها و برادرها را تشدید یا تضعیف می‌کند. نتایج این پژوهش نظریه فمینیستی را نیز تایید می‌کرد. بر این اساس که اغلب خشونت‌ها را مردان به زنان تحمیل می‌کنند. اگرچه هم پسران و هم دختران رفتارهای پرخاشگرانه را یاد می‌گیرند، ولی امکان استفاده پسران از رفتارهای خشن، با توجه به باورهای فرهنگی، بیشتر است (Hoffman et al, 2005, p.1107).

گزارش ویپل و فینتون در سال ۱۹۹۵ در زمینه خشونت روانی، این گونه خشونت را شایع‌ترین نوع خشونت در میان خواهر و برادرها می‌دانند؛ ولی از آنجا که اغلب والدین و خواهر و برادرها امکان تمایز میان رفتار عادی و خشونت را ندارند، در نتیجه امکان محاسبه شیوع آن در میان خواهر و برادرها دشوار است. مطالعات آنان در این زمینه نشان می‌دهد فقر، بیکاری، تحصیلات محدود والدین، جمعیت اعضای خانواده و طلاق عوامل مؤثر در خشونت میان خواهر و برادرهاست (Whipple & Finton, 1995, p.137).

تحقیقات علت‌شناختی در ترکیه نشان می‌دهد عوامل مؤثر و دخیل بر روی خشونت جنسی خواهر و برادرها عبارتند از: فقدان آموزش در خصوص مسائل جنسی و بلوغ به کودکان، تحصیلات ناکافی والدین، ضعیف بودن وضعیت اقتصادی و منسجم نبودن روابط خانوادگی (Karbeyaz, Toygar, & Celikel, 2016, p. 550). به علاوه، برخی پژوهشگران به مواردی از روابط جنسی بین خواهر و برادر اشاره می‌کنند که آن دو خود را نه تنها قربانی نمی‌دانند،

بلکه خواهان این روابط هستند؛ در نتیجه، بزه‌دیدگی گزارش داده نمی‌شود و اغلب تا زمانی که منجر به حاملگی نشود مخفی می‌ماند. نویسندگان نیز به این موضوع اشاره می‌کنند که عمدتاً خواهرها و برادرهایی درگیر این روابط هستند که در سنین حساس و بلوغ قرار دارند و رفتار آنها اغلب به علت کنجکاوی‌های جنسی است (Tener & Silberstein, 2019, p. 194-195).

در سال ۲۰۱۹، از ۲۳ نفر در بازه سنی ۱۶ سال مصاحبه‌ای به شکل آنلاین در یک کلینیک استرالیایی انجام شد. از آنان در خصوص تجربیات خشونت میان خواهرها و برادرها پرسیده شد. مصاحبه‌شوندگان علاوه بر بیان تجربیات شدید خود در خصوص خشونت‌های فیزیکی، روانی و جنسی با خواهر و برادرشان اعلام نمودند که بزرگ‌ترین مشکل آنان، بی‌اعتنایی و انکار والدین نسبت به خشونت خواهر و برادر و عدم توانایی دسترسی به خدمات اجتماعی بدون حمایت والدین و سایر بزرگسالان است. از طرفی نگران از هم‌پاشیدگی روابط بین اعضای خانواده با گزارش خشونت نیز بودند. از جمله تأثیرات منفی خشونت خواهر و برادرها که پاسخ‌دهندگان به آنها اشاره کردند اضطراب، بی‌اشتهایی، کاهش مهارت و ارتباطات اجتماعی با سایرین، تجزیه و از هم‌پاشیدگی خانواده‌ها بوده است. با مصاحبه‌هایی که صورت گرفت مشخص شد اغلب خشونت‌ها بر روی عضو کوچک‌تر خانواده یا عضوی که به لحاظ فیزیکی در وضعیت ضعیف‌تری قرار دارد اعمال می‌شود (Elliott, Fitz-Gibbon & Maher, 2020, p. 170).

تاکنون به خشونت خانگی بین خواهر و برادر در کشورهای مختلف بویژه آمریکا پرداخته شده، اما با توجه به اینکه عوامل فرهنگی و اجتماعی در تعریف و تعیین حد و مرز خشونت مؤثر است، نمی‌توان نتایج و یافته‌های دیگر کشورها را قابل تعمیم دانست؛ زیرا فرهنگ پدیده پنهانی است که رفتار و نهادهای جامعه را تحت سلطه خود قرار می‌دهد. لذا تفاوت کار پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌ها، در منطقه جغرافیایی و بومی بودن آن برای کشور ایران است. از سوی دیگر در تحقیقات پیمایشی به لحاظ ساختارهای اجتماعی و فرهنگی تفکیکی بین جوامع آماری مشاهده نشده است. در این راستا، ایده انجام پژوهشی که مطابق با روحیات و خصوصیات فرهنگی ایران باشد، انگیزه انجام این تحقیق را فراهم آورد.

پژوهش پیش‌رو به فراوانی و بررسی میزان خواهر - برادر آزاری به صورت خوداعلامی بزه‌دیدگی و بزهکاری در میان دانش‌آموزان دبیرستانی ناحیه ۱ و ۶ مشهد می‌پردازد. توزیع میزان پرسشنامه به لحاظ جنس، ناحیه تحصیلی و سن مساوی است. بررسی ابعاد این حوزه از خشونت خانگی در ایران به تنهایی موضوع جدیدی محسوب خواهد شد؛ از سوی دیگر در این پژوهش، نمونه آماری از دو ناحیه تعیین شده است تا تاثیر ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بر میزان خشونت نشان داده شود. بر اساس فرضیه پژوهش، والدینی که به لحاظ معیشتی، سطح فرهنگی و اجتماعی در موقعیت ضعیف‌تری قرار دارند، میزان درگیری بین زوجین یا زوجین با فرزندان بیشتر است؛ در نتیجه، ایشان فرزندان را به رفتار پرخاشگرانه سوق می‌دهند. بر این اساس در ادبیات نظری فشار اجتماعی، یادگیری اجتماعی و نظریه فمینیستی بررسی می‌شود.

۵. روش‌شناسی پژوهش

روشی که برای انجام این پژوهش انتخاب شده، به صورت پیمایشی و از نوع مقطعی است. افراد نمونه این پژوهش را دانش‌آموزان دبیرستانی ناحیه ۱ و ۶ مشهد در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ تشکیل می‌دهند. مجموع جامعه آماری ۲۴۰۱۱ نفر است که حجم نمونه مورد مطالعه با استفاده از فرمول کوکران، ۳۷۷ نفر تعیین گردید که در این مطالعه برای انجام مقایسه دقیق‌تر، پرسشنامه میان ۶۰۰ دانش‌آموز دبیرستانی ناحیه یک و شش به روش نمونه‌گیری توزیع شد.

روش نمونه‌گیری در ابتدا به صورت خوشه‌ای و چند مرحله‌ای در نظر گرفته شد؛ ولی در انتها ناچار به شیوه در دسترس با حجم برابر میان افراد جامعه انتخاب شده است. علت انتخاب این دو ناحیه در مشهد به آن جهت بوده که در مرکز تحقیقات آموزش و پرورش، مشهد به هفت ناحیه بر مبنای طبقات اجتماعی، ترکیب اقشار، بافت جمعیتی و غیره تقسیم شده است. در این طبقه‌بندی ناحیه ۶ مشهد (شامل: دانشجو، فرهنگ، هفت تیر، هاشمیه و غیره) از مناطق برخوردار و ناحیه ۱ (رسالت، طبرسی، خواجه ربیع، کاشانی و غیره) از مناطق محروم محسوب می‌شود. این موضوع با بررسی پاسخ‌های دانش‌آموزان تایید شد. در نتیجه برای انجام مقایسه



دقیق‌تر در تاثیر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خانواده‌ها بر میزان شیوع خواهر - برادرآزاری، دانش‌آموزان این دو ناحیه انتخاب شدند. در مرحله بعد فهرستی از مدارس در دو ناحیه تهیه شده و از هر ناحیه یک و شش به طور جداگانه سه دبیرستان دخترانه (متوسطه دوره دوم) و سه دبیرستان پسرانه (متوسطه دوره دوم) و یک هنرستان دخترانه و یک هنرستان پسرانه به صورت تصادفی انتخاب گردیده است. در مرحله آخر به علت برخی محدودیت‌ها، بویژه عدم همکاری مدیران و مسئولان مدارس و شیوع فراگیر ویروس کرونا، پرسشنامه‌ها به صورت مستقیم و تصادفی میان دانش‌آموزان بعد از پایان زمان آموزشی مدارس، توزیع شد. به این ترتیب برای هریک از دبیرستان‌ها ۴۰ پرسشنامه و برای هنرستان‌ها ۳۰ پرسشنامه در نظر گرفته شد. افراد نمونه به طور برابر در دو جنس (۱۵۰ دختر و ۱۵۰ پسر) در هر دو ناحیه تقسیم شدند.

به منظور انجام این پژوهش به تناسب موضوع، روش کمی برگزیده شده است؛ بنابراین پرسشنامه ابزار پژوهشی مناسب برای تعیین و سنجش داده‌ها محسوب می‌شود. از آنجا که پرسشنامه استاندارد در زمینه خشونت میان خواهرها و برادرها وجود نداشت، پرسشنامه به شکل محقق‌ساخته طراحی گردید. برای طراحی گویه‌ها و پرسش‌های مربوط، از مقاله‌های لاتین و کتاب‌هایی که در زمینه خواهر - برادرآزاری تدوین شده بود و همچنین از گویه‌های پرسشنامه CTS که اغلب در سنجش خشونت خانگی میان همسران در ایالات آمریکا از آن استفاده می‌شود، اقتباس صورت گرفت. از جمله مقاله‌های مورد استفاده در زمینه خواهر - برادرآزاری مقاله "Hoffman" در سال ۲۰۰۵ برای خشونت‌های فیزیکی، و مقاله "Morrell & Bachman" در سال ۲۰۱۳ است که برای تکمیل گویه‌ها در انواع خشونت‌ها از آنها بهره گرفته شد.

سؤال‌های پرسشنامه بر اساس شیوه خوداعلامی طراحی شده است. این روش مانند تمام ابزارهای گردآوری اطلاعات، محدودیت‌هایی به همراه دارد. از جمله انتقادهایی که به این روش وارد است اینکه افراد در پیمایش‌های خوداعلامی تمایل دارند تصویری اغراق‌آمیز از بزه‌دیدگی یا تصویر مطلوب‌تری در حوزه بزهکاری از خود نمایش دهند؛ با این حال این تنها روشی است

که از رهگذر آن می‌توان به آمار سیاه در حوزه بزه‌دیدگی و بزهکاری دست یافت (سیدزاده ثانی، ۱۳۹۸، ص ۳۰-۲۹).

پرسشنامه‌ای که در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها استفاده شد دارای ۱۲ پرسش مربوط به اطلاعات دموگرافیک (جمعیت‌شناختی) افراد شرکت کننده و ۳۲ پرسش برای گردآوری اطلاعات در خصوص بزه‌دیدگی و بزهکاری خواهر - برادرآزاری است که همه گویه‌ها کمی بوده و در این زمینه، از تکنیک طیف پنج گانه لیکرت (هرگز=۰، به ندرت=۱، بعضی اوقات=۲، اغلب اوقات=۳ و بیشتر مواقع=۴) بهره گرفته شده است. هر یک از پرسش‌ها در مورد بزه‌دیدگی و بزهکاری ۱۶ گویه داشته و از این تعداد، ۸ پرسش (شامل: هل دادن، خراشیدن، گاز و نیشگون گرفتن، سوزاندن، فشار دادن گلو و پرتاب اجسام) مربوط به خشونت فیزیکی، ۵ پرسش مربوط به خشونت روانی (شامل: توهین کردن، شکستن وسایل، تحقیر و تمسخر، تهدید و ترساندن به خشونت فیزیکی با وسایل و عصبی کردن) و ۳ پرسش (شامل: لمس و نوازش جنسی، آمیزش جنسی و به زور یا مخفیانه نگاه کردن به بدن) در خصوص خشونت جنسی تعیین گردید.

برای سنجش اعتبار روایی پرسشنامه از نظر صاحب‌نظران و متخصصان استفاده شد و برای پایایی گویه‌ها ضریب آلفای کرونباخ به کار بسته شد. قبل از توزیع پرسشنامه نهایی ضریب آلفای کرونباخ بر روی ۱۲۰ نفر سنجیده شد که مقدار ۰,۹۳۲ به دست آمد. در انتها برای کل نمونه نیز از ضریب اعتبار آلفای کرونباخ استفاده شد، که میزان آن در پرسش‌های مربوط به بزه‌دیدگی ۰,۸۶۹ و در مورد بزهکاری ۰,۸۴۷ محاسبه شد. ضریب به دست آمده در مجموع پرسش‌ها ۰,۹۱۸ تعیین شد.

پس از نهایی شدن پرسشنامه و انتخاب جامعه آماری برای جلب رضایت دانش‌آموزان، توضیحاتی به آنان برای اطمینان بیشتر و عدم سوگیری در پژوهش داده شد. در ابتدا و در جریان پرسشنامه، بر حفظ اسرار و ناشناخته ماندن پاسخ‌دهنده تاکید شد. علاوه بر آن، این مسأله به صورت شفاهی نیز اعلام شد. همچنین به افراد راه ارتباطی با پرسشگر داده شده بود که در صورت لزوم ارتباط برقرار نمایند. تحلیل داده‌ها در بستر نرم افزار آماری "SPSS"



انجام گرفت و برای سنجش معنادار بودن روابط میان متغیرها از آزمون یومان ویتنی و کراس والیس به تناسب استفاده شد.

۶. یافته‌های پژوهش

سیمای پاسخگویان:

جمعیت مورد مطالعه در سن، جنس و ناحیه به صورت مساوی توزیع شده است؛ به این معنا که ۳۰۰ پرسشنامه در هریک از دو ناحیه، ۱۵۰ پرسشنامه برای هر یک از دختران و پسران دانش‌آموز و ۲۰۰ پرسشنامه برای هر یک از گروه‌های سنی ۱۶ تا ۱۸ سال در نظر گرفته شد (جدول شماره ۱).

در خصوص پرسش زندگی مشترک والدین مشخص شد ۷,۷٪ والدین دانش‌آموزان ناحیه یک و ۱۱,۴٪ والدین دانش‌آموزان ناحیه شش، به دلایلی مانند فوت یا طلاق دارای زندگی مشترک نیستند (جدول شماره ۱).

وضعیت تحصیلات والدین در دو ناحیه به شش دسته بی‌سواد، زیر دیپلم، دیپلم، لیسانس، فوق‌لیسانس و دکتری تقسیم گردید (جدول شماره ۱)، که به تفکیک ناحیه تحصیلی به شرح زیر مورد مقایسه قرار گرفته شد:

- وضعیت تحصیلی مادران ناحیه یک: بی‌سواد (۴,۳٪)، زیر دیپلم (۳۸,۷٪)، دیپلم (۴۲,۳٪)، لیسانس (۱۳,۳٪)، فوق‌لیسانس (۱۰,۸٪).

- وضعیت تحصیلی مادران ناحیه شش: زیر دیپلم (۶٪)، دیپلم (۳۸,۸٪)، لیسانس (۳۹,۵٪)، فوق-لیسانس (۱۱٪)، دکتری (۴,۷٪).

- وضعیت تحصیلی پدران ناحیه یک: بی‌سواد (۱,۴٪)، زیر دیپلم (۲۸,۳٪)، دیپلم (۵۲٪)، لیسانس (۱۷,۷٪)، فوق‌لیسانس (۰,۷٪).

- وضعیت تحصیلی پدران ناحیه شش: زیر دیپلم (۲,۳٪)، دیپلم (۲۲,۴٪)، لیسانس (۷۲,۷٪)، فوق-لیسانس (۱۸,۷٪)، دکتری (۹,۴٪).

همچنین وضعیت اشتغال والدین در دو ناحیه به سه دسته کارمند، آزاد و خانه‌دار یا بیکار تقسیم شد (جدول شماره ۱). در ادامه گزارشی از پاسخ افراد جامعه آماری به تفکیک ناحیه بیان می‌شود:

- وضعیت اشتغال مادران ناحیه یک: کارمند (۱۱,۶٪)، آزاد (۲۸,۲٪)، خانه‌دار (۶۰,۲٪).

- وضعیت اشتغال مادران ناحیه شش: کارمند (۲۸,۲٪)، آزاد (۱۰,۴٪)، خانه‌دار (۶۱,۴٪).

- وضعیت اشتغال پدران ناحیه یک: کارمند (۱۷,۴٪)، آزاد (۵۲,۲٪)، بیکار (۲۶,۸٪).

- وضعیت اشتغال پدران ناحیه شش: کارمند (۲۶,۵٪)، آزاد (۷۰,۱٪).

وضعیت اقتصادی خانواده‌ها بر اساس پرسش‌های مربوط به قیمت وسیله نقلیه و درآمد ماهیانه خانواده‌ها سنجیده شد. در پرسشنامه علاوه بر این دو پرسش، ارزش تقریبی محل سکونت و نوع محل سکونت نیز پرسیده شد؛ اما به علت عدم اطلاع بیشتر دانش‌آموزان از موضوع، پرسش بی‌پاسخ ماند. در نتیجه تصمیم گرفته شد این پرسش در هنگام سنجش وضعیت اقتصادی خانواده‌ها حذف شود؛ بنابراین، وضعیت اقتصادی به سه دسته وضعیت ضعیف، متوسط و بالا بر اساس وسیله نقلیه و درآمد ماهیانه خانواده‌ها تقسیم گردید (جدول شماره ۱).

در ادامه شرحی از پاسخ‌های دانش‌آموزان به تفکیک ناحیه داده می‌شود:

- وضعیت اقتصادی افراد نمونه ناحیه یک: ضعیف (۶۲,۳٪)، متوسط (۳۷,۷٪).

- وضعیت اقتصادی افراد نمونه ناحیه شش: ضعیف (۳,۷٪)، متوسط (۷۱٪)، بالا (۲۵,۳٪).

جمعیت خانواده‌ها به سه دسته کم جمعیت با چهار تا پنج عضو، جمعیت متوسط با شش تا هفت عضو و پر جمعیت که اعضای آن از هفت نفر بیشتر می‌باشند، تقسیم شده است. جمعیت اعلام شده خانواده دانش‌آموزان ناحیه یک عبارتند از: ۶۶٪ دارای خانواده‌های کم جمعیت، ۲۹,۴٪ خانواده با جمعیت متوسط و ۴,۶٪ خانواده‌های پر جمعیت. همچنین ۵۶٪ دانش‌آموزان ناحیه شش دارای خانواده‌های کم جمعیت، ۲۸٪ جمعیت متوسط و ۱۵,۲٪ دارای خانواده‌های پر جمعیت هستند. در نتیجه میزان خانواده‌های پر جمعیت در ناحیه شش بیشتر است (جدول شماره ۱).



جدول ۱. سیمای جمعیت‌شناختی نمونه مورد بررسی			
ویژگی جامعه آماری	ارزش‌گذاری	ناحیه یک (درصد)	ناحیه شش (درصد)
جنس	دانش‌آموزان دختر	۵۰	۵۰
	دانش‌آموزان پسر	۵۰	۵۰
زندگی مشترک	بله	۹۲,۳	۸۸,۶
	خیر	۷,۷	۱۱,۴
میزان تحصیلات مادران	بی‌سواد	۴,۳	۰
	پایین‌تر از دیپلم	۳۸,۷	۶
	دیپلم	۴۲,۳	۳۸,۸
	لیسانس	۱۳,۳	۳۹,۵
	فوق لیسانس	۱۰,۸	۱۱
میزان تحصیلات پدران	دکتری	۰	۴,۷
	بی‌سواد	۱,۴	۰
	پایین‌تر از دیپلم	۲۸,۳	۲,۳
	دیپلم	۵۲	۲۲,۴
	لیسانس	۱۷,۷	۷۲,۷
وضعیت اشتغال مادران	فوق لیسانس	۰,۷	۱۸,۷
	دکتری	۰	۹,۴
وضعیت اشتغال پدران	کارمند	۱۱,۶	۲۸,۲
	آزاد	۲۸,۲	۱۰,۴
وضعیت اقتصادی	بیکار/ خانه‌دار	۶۰,۲	۶۱,۴
	کارمند	۱۷,۴	۲۶,۵
جمعیت خانواده	آزاد	۵۲,۲	۷۰,۱
	بیکار/ خانه‌دار	۲۶,۸	۰
جمعیت کم	درآمد پایین	۷۳,۷	۵,۴
	درآمد متوسط	۲۶	۶۲,۴
جمعیت متوسط	درآمد بالا	۰,۴	۳۲,۲
	جمعیت بالا	۴,۶	۱۵,۲

همان گونه که در جدول شماره ۱ مشاهده می شود، میزان دانش آموزانی که به علت طلاق یا فوت با یکی از والدین خود زندگی می کنند، در ناحیه شش بیشتر از ناحیه یک است. بر اساس داده ها در مجموع وضعیت تحصیلی و وضعیت پدرها نسبت به مادران در موقعیت بالاتری قرار داشته است. همچنین وضعیت تحصیلی والدین، وضعیت اشتغال والدین و وضعیت اقتصادی دانش آموزان ناحیه شش در موقعیت بالاتری نسبت به دانش آموزان ناحیه یک قرار داشته است. در آخر با توجه به جدول بالا مشخص است که میزان خانواده های پرجمعیت بیش از هفت عضو در میان دانش آموزان ناحیه شش بیشتر از ناحیه یک است.

شیوع خواهر-برادرآزاری

تجربه بزهدیدگی: تجربه بزهدیدگی خواهر - برادرآزاری از مجموع پرسش ها در رابطه با سه شاخص خشونت (فیزیکی، روانی و جنسی) حاصل شد که در بخش قبلی گویه های هریک از آن بیان شد. به این ترتیب، مجموع تجربه بزهدیدگی در ناحیه یک ۸۲,۶٪ و در ناحیه شش ۶۸,۹٪ اعلام شده است (نمودار شماره ۱). در ادامه گزارشی از پاسخ دانش آموزان در خصوص هریک از انواع خواهر - برادرآزاری به تفکیک ناحیه ی تحصیلی بیان می شود (جدول شماره ۲):

خشونت فیزیکی: میزان تجربه بزهدیدگی فیزیکی در دانش آموزان ناحیه یک ۶۹,۱٪ و در ناحیه شش ۴۶,۸٪ اعلام شد.

خشونت روانی: تجربه بزهدیدگی روانی در میان دانش آموزان ناحیه یک ۷۷,۷٪ و در دانش آموزان ناحیه شش ۶۷٪ گزارش گردید.

خشونت جنسی: تجربه این شکل از خشونت توسط دانش آموزان ناحیه یک ۱,۲٪ و در ناحیه شش ۰,۳٪ بیان شد.



جدول ۲. شیوع تجربه بزه‌دیدگی خواهر- برادرآزاری به تفکیک ناحیه تحصیلی		
انواع خشونت	تجربه بزه‌دیدگی (درصد)	
	ناحیه یک	ناحیه شش
خشونت فیزیکی	۶۹,۱	۴۶,۸
خشونت روانی	۷۷,۷	۶۷
خشونت جنسی	۱,۲	۰,۳

همان‌گونه که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود، تجربه بزه‌دیدگی در تمام سه شکل خشونت (فیزیکی، روانی و جنسی) در میان دانش‌آموزان ناحیه یک بیشتر از ناحیه شش است. خشونت روانی، فراوانی بیشتری نسبت به سایر انواع خشونت، چه در ناحیه یک و چه در ناحیه شش دارد. بعد از آن، خشونت فیزیکی شیوع بیشتری در میان خواهر و برادرها دارد. در آخر، کمترین میزان مربوط به خشونت جنسی است که توسط دانش‌آموزان بیان شده است. تجربه بزه‌کاری: تجربه بزه‌کاری با سه شاخص خشونت فیزیکی، خشونت روانی و خشونت جنسی سنجیده شد و گویه‌های استفاده شده در این بخش با تجربه بزه‌دیدگی یکسان بود. در مجموع، میزان تجربه بزه‌کاری در میان دانش‌آموزان ناحیه یک ۷۳,۵٪ و در میان دانش‌آموزان ناحیه شش ۶۳,۵٪ بیان شد (نمودار شماره ۱). سایر اشکال خشونت در حوزه بزه‌کاری به این شرح است (جدول شماره ۳):

خشونت فیزیکی: میزان بزه‌کاری فیزیکی توسط دانش‌آموزان ناحیه ۶۷,۱٪ و در ناحیه شش ۴۸,۷٪ گزارش شد.

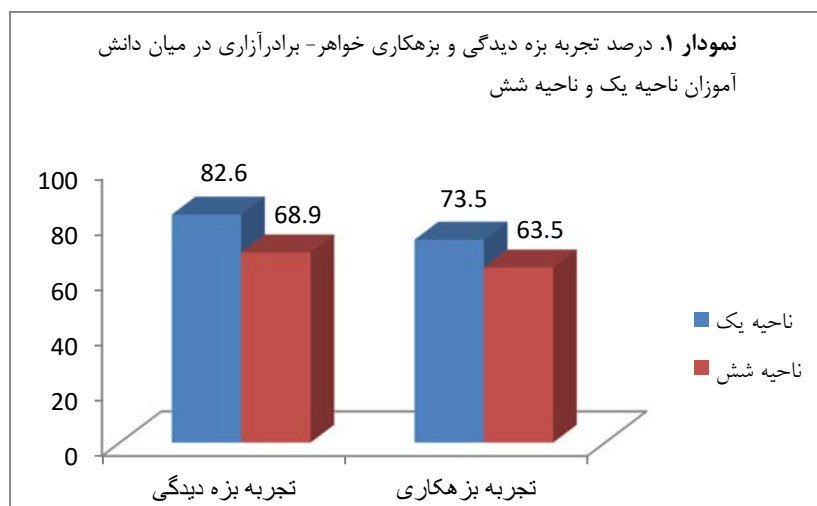
خشونت روانی: میزان تجربه بزه‌کاری روانی و کلامی اعلام شده در میان دانش‌آموزان ناحیه یک ۷۱,۳٪ و در ناحیه شش ۵۸٪ است.

خشونت جنسی: مقدار گزارش شده تجربه ارتکاب اذیت و آزارهای جنسی توسط دانش‌آموزان ناحیه یک ۰,۷٪ و در ناحیه شش ۰,۳٪ است.

جدول ۳. شیوع تجربه بزهکاری خواهر- برادرآزاری به تفکیک ناحیه تحصیلی		
انواع خشونت	تجربه بزهکاری (درصد)	
	ناحیه یک	ناحیه شش
خشونت فیزیکی	۶۷,۱	۴۸,۷
خشونت روانی	۷۱,۳	۵۸
خشونت جنسی	۰,۷	۰,۳

همان‌طور که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، بیشترین نوع خشونت به لحاظ شیوع بزهکاری، آزار کلامی و روانی است که هم در میان دانش‌آموزان ناحیه یک و هم در میان دانش‌آموزان ناحیه شش، رواج بیشتری داشته است. خشونت فیزیکی نیز دومین نوع بزهکاری در میان دانش‌آموزان است و کمترین آن مربوط به آزار جنسی است که با توجه به حساسیت موضوع بدیهی است که کمترین گزارش را داشته باشد.

برای ایجاد یک دید کلی نسبت به میزان بزه‌دیدگی و بزهکاری در هر یک از نواحی تحصیلی یک و شش، نمودار زیر شکل یافته است:



همان‌طور که در نمودار شماره یک مشاهده می‌شود، دانش‌آموزان شاخص‌های بزه‌دیدگی را بیشتر اعلام نمودند تا بزهکاری که امری بدیهی است و اغلب پاسخ‌دهندگان تمایل به اعلام



بزهکاری واقعی ندارند. در هنگام مقایسه بین نواحی یک و شش، میزان شیوع خشونت اعم از بزه‌دیدگی و بزهکاری در ناحیه یک رواج بیشتری دارد.

تأثیرات ساختارهای فرهنگی و اجتماعی بر میزان شیوع:

ناحیه تحصیلی: براساس پاسخ‌های دریافت شده، میانگین (۰ تا ۲۰) تجربه بزه‌دیدگی در ناحیه یک، ۱۵,۲۸ و در ناحیه شش ۹,۱۳ تعیین شده است. میزان معناداری (P-value) به دست آمده در آزمون یومان ویتنی ۰ است. در خصوص تجربه بزهکاری میانگین (۰ تا ۲۰) به دست آمده در ناحیه یک ۹,۴۱ و در ناحیه شش میانگین ۶,۴۶ با محاسبه شد. سنجش معناداری (P-value) به دست آمده در حوزه بزهکاری نیز ۰ است. نتیجه آزمون آماری حاکی از آن است که نواحی تحصیلی تأثیر مستقیم بر میزان شیوع بزه‌دیدگی و بزهکاری دانش‌آموزان دارد ($p < 0,05$). در نتیجه، دانش‌آموزان ناحیه یک بیشتر قربانی و مرتکب خواهر- برادرآزاری می‌شوند (جدول شماره ۴).

وضعیت زندگی مشترک: در این بخش، میزان شیوع خواهر- برادرآزاری دانش‌آموزانی که همراه والدین خود زندگی می‌کنند با دانش‌آموزانی که به دلایلی مانند طلاق یا فوت به همراه یکی از والدین خود زندگی می‌کنند، مقایسه انجام شده است. در مورد گروه اول، تجربه بزه‌دیدگی ۱۱,۷۹ و این میزان در تجربه بزهکاری ۱۷,۶۰ است. در مورد گروه دوم از دانش‌آموزان، تجربه بزه‌دیدگی ۱۵,۳۳ و در بزهکاری ۱۰,۲۴ با انحراف معیار ۱۰,۶۳۸ است. در هر دو حوزه میزان معناداری (P-value) ۰,۰۵ برآورد شده است؛ در نتیجه میان متغیرها سطح معناداری وجود نداشت ($p < 0,05$) و عدم زندگی مشترک والدین موجب شیوع خشونت میان خواهر و برادرهای افراد نمونه نشده است (جدول شماره ۴).

وضعیت تحصیلات والدین: در این بخش تأثیر وضعیت تحصیلی هریک از والدین بر میزان شیوع خواهر- برادرآزاری سنجیده می‌شود. در رابطه با تجربه بزه‌دیدگی میانگین و وضعیت تحصیلی مادران در سطح بی‌سوادی تا پایین‌تر از دیپلم ۱۸,۲۲، دیپلم ۱۲,۵۷، لیسانس ۹,۱۰ و فوق‌لیسانس تا دکتری ۴,۴۷ که سطح معناداری (P-value) آن ۰ محاسبه شد. در خصوص

پدران وضعیت بی‌سوادى تا پایین‌تر از دیپلم ۲۰,۵۳، دیپلم ۱۳,۵۲، لیسانس ۹,۴۶ و فوق‌لیسانس تا دکتری ۶,۵۱ که سطح معنادارى (P-value) ۰ تعیین شده است.

در مورد تجربه بزه‌کاری میانگین وضعیت تحصیلی مادران در سطح بی‌سوادى تا پایین‌تر از دیپلم ۱۰,۶۶، دیپلم ۸,۶۳، لیسانس ۵,۹۴ و فوق‌لیسانس تا دکتری ۲,۹۰ که سطح معنادارى (P-value) آن ۰ سنجیده شد. در خصوص پدران دانش‌آموز وضعیت بی‌سوادى تا پایین‌تر از دیپلم ۱۲,۵۶، دیپلم ۸,۶۰، لیسانس ۶,۰۷ و فوق‌لیسانس تا دکتری ۵,۴۵ که سطح معنادارى (P-value) ۰ محاسبه شد.

نتیجه آزمون کراس والیس در خصوص متغیر وضعیت تحصیلات والدین حاکی از معنادارى میان متغیرهاست ($p < 0,05$). به این ترتیب والدین دانش‌آموزانى که دارای تحصیلات بالاترى هستند، میزان خشونت در میان خواهر و برادرها در این خانواده‌ها کمتر گزارش شده است (جدول شماره ۴).

وضعیت اشتغال: میانگین مادران شاغل در حوزه بزه‌دیدگی ۱۲,۱۵ و خانه‌دار ۱۲,۲۲ که سطح معنادارى (P-value) آن ۰,۷۸۹ برآورد شد. در مورد تجربه بزه‌کاری میانگین مادران شاغل ۶,۴۸ و خانه‌دار ۸,۷۹ و سطح معنادارى (P-value) ۰,۲۰۵ محاسبه شد.

در ارتباط با تجربه بزه‌دیدگی، میانگین پدران شاغل ۱۲,۰۹ و بیکار ۲۳,۵۰ که سنجش معنادارى (P-value) آن ۰,۰۰۸ به دست آمد. در حوزه بزه‌کاری، میانگین پدران شاغل ۷,۸۳ و بیکار ۱۵,۷۰ و سطح معنادارى (P-value) ۰,۰۰۸ تعیین گردید.

نتایج آزمون آماری نشان می‌دهد که وضعیت اشتغال مادران تاثیری بر میزان شیوع خواهر- برادرآزاری ندارد ($p < 0,05$)، اما در خصوص اشتغال پدران متفاوت است. دانش-آموزانى که پدران بیکار دارند، میزان خشونت بیشتری در میان خواهر و برادرها اعم از بزه‌دیدگی و بزه‌کاری اعلام نموده‌اند (جدول شماره ۴).

وضعیت اقتصادی خانوارها: در حوزه تجربه بزه‌دیدگی، میانگین وضعیت اقتصادی ضعیف ۱۷,۵۰، در وضعیت متوسط ۹,۳۵ و میانگین وضعیت درآمدی بالا ۶,۲۱ محاسبه گردید که سطح معنادارى (P-value) آن ۰ است. در بخش بزه‌کاری میانگین وضعیت اقتصادی پایین



۱۷,۳۹، در وضعیت متوسط ۵,۹۸ و میانگین وضعیت درآمدی بالا ۴,۸۷ اندازه‌گیری شد و سطح معناداری (P-value) آن ۰ به دست آمد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که وضعیت اقتصادی خانواده‌ها بر میزان شیوع تجربه بزه‌دیدگی و بزهکاری در میان خواهر و برادرها تاثیر مستقیم دارد (جدول شماره ۴).

جمعیت افراد خانواده: در حوزه بزه‌دیدگی، میانگین خانواده‌های کم جمعیت ۱۱,۳۷، در جمعیت متوسط ۱۴,۷۹ و جمعیت زیاد ۱۵,۸۶ که سطح معناداری (P-value) آن ۰,۰۹ اندازه‌گیری شد. در حوزه بزهکاری، میانگین در خانواده‌های کم جمعیت ۷,۵۲، در جمعیت متوسط ۹,۴۸ با انحراف معیار ۱۰,۴۶۴ و جمعیت زیاد ۷,۲۹ که سطح معناداری (P-value) آن ۰,۰۸ تعیین گردید. نتایج داده‌ها نشان می‌دهد که تفاوت معناداری میان تجربه خشونت و جمعیت اعضای خانواده افراد نمونه وجود ندارد (جدول شماره ۴).

جدول ۴: تاثیرات ساختارهای فرهنگی و اجتماعی بر میزان شیوع							
ویژگی‌ها	ارزش‌گذاری	بزه‌دیدگی		بزهکاری		مقدار احتمال	مقدار احتمال
		میانگین (۰ تا ۲۰)	انحراف معیار	میانگین (۰ تا ۲۰)	انحراف معیار		
ناحیه تحصیلی	یک شش	۱۵,۲۸	۱۴,۷۷۴	۹,۴۱	۱۰,۷۲۲	۰	۰
زندگی مشترک	بله خیر	۱۱,۷۹	۱۳,۵۱۹	۷,۶۰	۱۰,۲۲۱	۰,۰۵	۰,۰۵
وضعیت تحصیلی مادران	بی‌سواد تا زیردیپلم دیپلم لیسانس فوق لیسانس تادکتری	۱۸,۲۲	۱۵,۷۸۹	۱۰,۶۶	۱۰,۵۹۲	۰	۰
		۱۲,۵۷	۱۳,۲۱۸	۸,۶۳	۱۱,۱۲۲		
		۹,۱۰	۱۱,۷۴۶	۵,۹۴	۸,۹۶۹		
		۴,۴۷	۷,۷۳۷	۲,۹۰	۵,۲۲۵		

وضعیت تحصیلی پدران	بی سواد تا زیردیپلم دیپلم لیسانس فوق لیسانس تادکتری	۱۸,۵۳ ۱۳,۵۲ ۹,۴۶ ۶,۵۱	۱۶,۲۶۲ ۱۳,۳۷۳ ۱۱,۳۱۰ ۱۱,۸۶	۱۲,۵۶ ۸,۶۰ ۶,۰۷ ۵,۴۵	۱۱,۸۱۱ ۱۰,۵۰۴ ۸,۸۰۴ ۹,۴۸۴	.
وضعیت اشتغال مادران	شاغل خانه دار	۱۲,۱۵ ۱۲,۲۲	۱۳,۶۱۹ ۱۳,۶۱۹	۰,۷۸۹	۹,۲۴۴ ۱۰,۷۹۹	۰,۲۰۵
وضعیت اشتغال پدران	شاغل بیکار	۱۲,۰۹ ۲۳,۵۰	۱۳,۶۱۳ ۱۶,۰۷۸	۰,۰۰۸	۱۰,۲۳۸ ۱۲,۴۰۱	۰,۰۰۸
وضعیت اقتصادی	پایین متوسط بالا	۱۷,۵۰ ۹,۳۵ ۶,۲۱	۱۵,۰۷۰ ۱۰,۹۲۶ ۱۰,۹۳۳	.	۱۱,۳۹۲ ۸,۹۶۶ ۷,۵۹۱	.
جمعیت	کم متوسط زیاد	۱۱,۳۷ ۱۴,۷۹ ۱۵,۸۶	۱۳,۰۵۴ ۱۴,۶۴۳ ۱۹,۸۸۷	۰,۰۹	۱۰,۲۰۴ ۱۰,۴۶۴ ۷,۶۳۱	۰,۰۸

۷. بحث و بررسی

پژوهش حاضر با هدف شیوع شناسی و بررسی تاثیر زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خانواده ها در راستای شناخت یکی از اشکال خشونت خانگی که کمتر مورد توجه پژوهشگران بوده، انجام گرفته است. این مطالعه، شیوه کمی و از نوع پیمایش خود اعلامی را برای جمع-آوری اطلاعات استفاده نموده است که در این ارتباط ۶۰۰ دانش آموز دبیرستانی نواحی یک و شش شهرستان مشهد مورد مطالعه قرار گرفتند.

همان طور که در قسمت روش پژوهش گفته شد، نواحی تحصیلی در مشهد به هفت ناحیه تقسیم می شود که در این تقسیم بندی ناحیه ۱ به لحاظ بافت جمعیتی و ترکیب اقشار جز مناطق محروم و ناحیه شش از منطق برخوردار محسوب می شود. با توجه به اینکه یکی از دلایل



بروز خشونت در خانواده تاثیر مستقیم و غیر مستقیم فشارهای محیطی و شرایط اجتماعی است، لذا فرضیه پژوهش بر این شد که دانش‌آموزان ناحیه یک بیشتر از دانش‌آموزان ناحیه شش احتمال تجربه بزه‌دیدگی و بزهکاری خواهر-برادرآزاری را دارند. نتایج داده‌ها و آزمون-های آماری حاکی از تایید فرضیه پژوهش می‌باشد.

نتایج یافته‌ها هم‌سو با نظریه‌های فشار و یادگیری اجتماعی هستند؛ بر این اساس که نابرابری در شرایط اقتصادی و اجتماعی منجر به ایجاد شرایط آنومیک می‌شود و یکی از بارزترین جلوه‌های فشار، خشم است. این خشم می‌تواند در خانواده و بین اعضای آن بروز یابد و نتیجه آن ایجاد پدیده نامطلوب خشونت خانگی است. در نتیجه خانواده‌ای که به لحاظ موقعیت اجتماعی و اقتصادی در سطح پایین‌تر از ارزش‌های خود و جامعه قرار داشته باشد، تعاملات منفی اعضای آن بیشتر از سایر خانواده‌هایی است که در سطحی مطلوب‌تر قرار دارند. در این میان، نظریه یادگیری اجتماعی به این موضوع اشاره دارد که رفتارهای خشونت-آمیز و تعاملات منفی افراد خانواده توسط کودکان یاد گرفته می‌شود. به این شکل که کودکان رفتار والدین را مشاهده می‌کنند و سعی می‌کنند آن را تقلید نمایند.

در رابطه با سایر متغیرها با توجه به علت عدم بررسی موضوع در ایران نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر با برخی از مطالعات خارجی مورد مقایسه قرار گرفت. گرچه نمی‌توان با اطمینان نتایج حاصله را با یافته‌های آنان مقایسه نمود؛ چرا که تفاوت ناشی از باورهای فرهنگی و اجتماعی کشورها موجب می‌شود که مفهوم ذهنی افراد نسبت به تعریف خشونت تغییر یابد و همین عامل موجب اختلاف در میزان آمارها می‌شود.

به لحاظ شیوع اعم از بزه‌دیدگی و بزهکاری، بیشترین نوع خشونت آزار کلامی و روانی است. این شکل از خشونت در میان همه دانش‌آموزان به ویژه دانش‌آموزانی که به لحاظ موقعیت اجتماعی و اقتصادی خانواده‌ها در سطح پایین‌تری نسبت به سایر دانش‌آموزان قرار گرفته بودند، رواج بیشتری داشت. خشونت فیزیکی نیز دومین نوع آزار از حیث فراوانی در دو حوزه بزه‌دیدگی و بزهکاری است. همچنین کمترین میزان خشونت مربوط به آزار جنسی است. پژوهش‌های انجام شده در غرب، هم‌سو با یافته‌های این پژوهش در خصوص شیوع

خشونت‌هاست (Carlson, Maciol & Schneider, 2006, pp. 29-30, Straus, Gelles, and Steinmetz, 1980, pp. 128-130, Tener & Silberstein, 2019, pp. 193-194). در مورد علت افزایش شیوع خشونت روانی نسبت به سایر گونه‌های خشونت شاید بتوان گفت از آنجا که اعمال خشونت‌های روانی احساس عذاب وجدان کمتری برای آزاردهنده و همچنین برای بیان آن توسط آزاردیده ایجاد می‌نماید، گسترش آن بیشتر از دو شکل دیگر است؛ اما در خصوص خشونت فیزیکی و بویژه خشونت جنسی این موضوع به علت باورهای فرهنگی پذیرفته شده که به حفظ اسرار در خانواده اهمیت ویژه‌ای می‌دهد، امکان اینکه پاسخ-گویان تمایلی به گزارش آن نداشته باشند، بیشتر است. غافل از اینکه سکوت و پنهان کاری‌هایی که در پرتوی مصلحت اندیشی‌ها صورت می‌گیرد صرفاً موجب افزایش این پدیده می‌شود. در مورد زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خانواده‌ها، نتایج آزمون‌های آماری حاکی از آن است که میزان بیشتری از خواهر-برادرآزاری در خانواده‌هایی که در سطح ضعیف‌تری نسبت به سایرین قرار دارند، مشاهده شده است. از نظر زمینه‌های اقتصادی و معیشتی خانواده‌های فوق عموماً در سطوح پایین اقتصادی قرار داشتند و در میان آنها بیکاری یا مشاغل سطح پایین با درآمد اندک ویژگی سرپرستان مرد بود؛ همچنین به لحاظ زمینه‌های اجتماعی، تحصیلات پایین والدین میزان تجربه خواهر-برادرآزاری را افزایش داده است؛ بنابراین براساس نتایج به دست آمده، فرضیه پژوهش مبنی بر افزایش تجربه بزه‌دیدگی و بزهکاری در میان دانش‌آموزانی با زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی ضعیف‌تر، تایید می‌شود. همچنین نتایج آزمون‌های آماری نشان داده است که زندگی مشترک والدین، جمعیت اعضای خانواده و فقدان استقلال مالی سرپرستان زن خانواده در این مطالعه تاثیری بر میزان بزه-دیدگی و بزهکاری خواهر-برادرآزاری دانش‌آموزان نگذاشته است. بسیاری از پیمایش‌های غربی در خصوص زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی نشان می‌دهد که عواملی همچون بیکاری والدین، فقر، تحصیلات پایین والدین، فاصله سنی، ازدیاد جمعیت و طلاق موجب افزایش خواهر-برادرآزاری می‌شود (Elliott, Fitz-Gibbon & Maher, 2019, p. 170, Whipple & Finton, 1995, p. 136-137).



یافته‌های پژوهش حاضر نیز این مساله را تایید می‌کند، به جز در رابطه با طلاق، جمعیت و عدم استقلال مالی سرپرست زن که در آزمون آماری تفاوت معناداری بین این متغیرها و میزان تجربه خواهر - برادرآزاری مشاهده نشده است. در خصوص طلاق و جمعیت اعضای خانواده ممکن است این دلیل وجود داشته باشد که تعداد پاسخ‌دهندگان که والدین آنان زندگی مشترک ندارند و یا دانش‌آموزانی که جمعیت آنان زیاد است، بسیار کم بوده، بنابراین امکان احتمال وقوع خواهر- برادرآزاری و اعلام توسط دانش‌آموزان کمتر می‌شود. در مورد عدم استقلال مالی سرپرست زن شاید بتوان گفت با توجه به ساختارهای فرهنگی جامعه که سرپرست خانوار را اغلب پدر می‌دانند، عدم استقلال مالی مادران تاثیری بر میزان خواهر- برادرآزاری ندارد. اما در خصوص سایر عوامل دیگر همان‌طور که در نظریه فشار آورده شد، بیکاری و فقر موجب می‌شود که بر اعضای خانواده فشار زیادی وارد شود و آستانه تحمل آنان پایین آمده و در نتیجه، رفتارهای خشونت‌آمیز بروز نماید. در این میان، عوامل فرهنگی و اجتماعی والدین مؤثر در نحوه رفتار آنان با یکدیگر و یا فرزندان است. در نتیجه بنا بر آنچه که در نظریه یادگیری اجتماعی مطرح شد، خواهر- برادرآزاری، الگویی از رفتارهایی است که در خانواده توسط فرزندان مشاهده شده و آنها به تقویت و تقلید آن پرداخته‌اند.

۸. نتیجه‌گیری

پیمایش ملی انجام شده در سال ۱۹۹۰ روی ۸۱۴۵ خانواده نشان می‌دهد که ۸۰٪ کودکان با میانگین سنی ۳ تا ۱۷ سال، حداقل یکی از اشکال خواهر- برادرآزاری را تجربه نمودند (Straus et al, 1990). این موضوع نشان می‌دهد که شیوع خواهر- برادرآزاری در سراسر جهان تبدیل به یک مسأله شایع و همه‌گیر شده است؛ به گونه‌ای که درون فرهنگ افراد رسوخ یافته و تصور رابطه خواهر و برادرها بدون آن رفتار را سخت و حتی غیرممکن می‌دانند. تا آنجا که بعضی از پاسخ‌دهندگان نیز گاه امکان تمایز به صورت وجدانی میان رفتار عادی و خشونت را نداشتند.

با این وجود، همواره مسائل مربوط به حوزه خشونت خانگی، از آنجا که در حریم خصوصی اشخاص اتفاق می‌افتد موجب می‌شود که کمتر به آن توجه شود. بویژه موضوع

خواهر- برادرآزاری، که علاوه بر بی توجهی افراد خارج از محیط خانه، از سوی والدین نیز رفتار فرزندان اغلب با عناوین مختلف نادیده گرفته می‌شود.

با توجه به اینکه خشونت بین خواهر و برادرها تأثیرات منفی بر رشد، شخصیت و سلامت روان افراد می‌گذارد و به تبع آن سلامت افراد دیگر جامعه را مورد تهدید قرار می‌دهد، بررسی خشونت در روابط خواهر و برادری مانند تمام دیگر اشکال خشونت خانگی حائز اهمیت است. مطالعات مختلف نشان داده که تجربه خشونت در دوران کودکی، مهم‌ترین علت بدرفتاری در آینده افراد است (Caspi, 2011, p. 40).

در هنگام بحث پیرامون اصلاح و درمان خواهر- برادرآزاری باید تمام افراد خانواده را به عنوان یک نظام واحد در نظر بگیریم؛ زیرا لایه‌های پنهانی و ریشه‌های اصلی رفتار فرزندان، تقلیدی از الگوهای رفتاری والدین و سرپرستان است. در این میان، فرهنگ نیز پدیده‌ی پنهانی است که نه تنها رفتار افراد، بلکه تمام نهادهای جامعه را زیر سلطه خود قرار می‌دهد.

در مجموع می‌توان چنین نتیجه گرفت هرچه شرایط فرهنگی و اجتماعی خانواده‌ها مانند تحصیلات، وضعیت اشتغال و وضعیت اقتصادی در سطح بالاتری قرار داشته باشد، از آنجا که به همان میزان سطح آگاهی و مهارت‌های والدین نیز افزایش می‌یابد، از میزان شیوع رفتارهای خشونت آمیز میان خواهرها و برادرها کاسته می‌شود. اگرچه در این پژوهش سعی بر نشان دادن تأثیر زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی خانوادگی بر میزان شیوع خواهر- برادرآزاری بوده است، ولی جزئیات دقیق‌تر و لایه‌های عمیق‌تر تأثیر رفتار والدین بر روابط میان خواهرها و برادرها نیاز است تا از این طریق بتوان برنامه‌های پیشگیرانه‌ای با محتوای خاص خواهر- برادرآزاری را توسعه بخشید و متخصصان کمک‌های لازم را برای خانواده‌های خشونت‌دیده فراهم نمایند.



منابع

الف) منابع فارسی

۱. آذری متین، الف، ابراهیمی، ش.، اسماعیلی، م. و سایر همکاران؛ «بایسته‌های پیمایش بزه‌دیده-شناسی»، مندرج در: *دائرة المعارف علوم جنایی*، ج ۴، گردآورنده: سید مهدی سیدزاده‌ثانی، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۸.
۲. حسن‌نیا، ص.، فرح‌بخش، ک.، کرم رازی، ه.، دوستیان، ی. و وازپور، ش.؛ «تعارضات خواهر-برادری، جنسیت و الگوهای فرزندپروری در دانش‌آموزان»، *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۵(۱۹)، ۱۳۹۴.
۳. فرانکلین، و.؛ *نظریه‌های جرم‌شناسی*، ترجمه ح. ملک محمدی، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۳.
۴. وایت، ر.، هینز، ف.؛ *جرم و جرم‌شناسی*، ترجمه ع. سلیمی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴.

ب) منابع انگلیسی

5. Adler, Naomi A., and Joseph Schutz; "Sibling Incest Offenders", *Child Abuse & Neglect* 19(7), 1995.
6. Agnew, Robert; "Foundation for a General Strain Theory of Crime and Delinquency", *Criminology*, 30(1) 1992.
7. Caspi, Jonathan; *Sibling Aggression: Assessment and Treatment*, New York: Springer Publishing Company, 2011.
8. Elliott, Karla, Kate Fitz-Gibbon, and Jane Maree Maher; "Sibling Violence: Understanding Experiences, Impacts, and the Need for Nuanced Responses", *The British journal of sociology* 71(1), 2020.
9. Finkelhor, David, and Larry Baron; "Risk Factors for Child Sexual Abuse", *Journal of Interpersonal Violence*, 1(1), 1986.
10. Hoffman, Kristi L., and John N. Edwards; "An Integrated Theoretical Model of Sibling Violence and Abuse", *Journal of Family Violence*, 19(3), 2004.
11. Hoffman, Kristi L., K. Jill Kiecolt, and John N. Edwards; "Physical Violence between Siblings a Theoretical and Empirical Analysis", *Journal of Family, issues* 26(8), 2005.
12. Karbeyaz, Kenan, Mehmet Toygar, and Adnan Celikel; "Case of Sibling Incest Resulting in Pregnancy", *Egyptian Journal of Forensic Sciences*, 6(4), 2016.
13. Morrill, Mandy, and Curt Bachman; "Confronting the Gender Myth: An Exploration of Variance in Male versus Female Experience with Sibling Abuse", *Journal of Interpersonal Violence*, 28(8), 2013.

14. Straus, Murray A., and Richard J. Gelles; "How Violent are American Families? Estimates from the National Family Violence Resurvey and Other Studies", *Physical Violence in American Families: Risk Factors and Adaptations to Violence*, 8, 145, 1990.
15. Tener, Dafna, and Michal Silberstein; "Therapeutic Interventions with Child Survivors of Sibling Sexual Abuse: The Professionals' Perspective", *Child abuse & neglect*, 89, 2019.
16. Wiehe, Vernon R.; *Sibling Abuse*, London: International Educational and Professional publisher, 1997.
17. Whipple, Ellen E., and Sara E. Finton; "Psychological Maltreatment by Siblings: An Unrecognized form of Abuse", *Child and Adolescent Social Work Journal*, 12(2), 1995.



Forgotten Violence: Cultural and Social Backgrounds of Sibling abuse (Case Study of High School Students in Districts One and Six of Mashhad)

Noushin Hosseini¹, Seyed Mahdi Seyedzadeh Sani^{2*}, Seyed Hussein Hosseini³

1. Ph. D. Student in Criminal Law and Criminology, Ferdowsi University, Mashhad, Iran
2. Associate Professor in Criminal Law and Criminology, Ferdowsi University, Mashhad, Iran
3. Assistant Professor in Criminal Law and Criminology, Ferdowsi University, Mashhad, Iran

Received: 2021/5/2

Accepted: 2021/7/12

Abstract

In recent decades, much research has been conducted in the context of domestic violence, especially violence against women and children; But in related to another form of domestic violence, or sibling abuse, not only has little attention been paid by researchers, but most parents also ignore their children's violent behavior toward each other as a common childish behavior. However, most of these cases have profound and destructive effects on children's social development and cognition, and consequently increase the likelihood of committing criminal behaviors. Among these, social and cultural factors are a hidden phenomenon that determines the shape of individual relationships in families. The present study describes the prevalence of sibling abuse with the aim of examining the economic, cultural and social contexts of student families.

The survey study was conducted among 600 high school students in districts one and six of Mashhad using a researcher-made questionnaire in two sections: self-reported victimization and delinquency with Cronbach's alpha 0.918, and was conducted in the academic year 2020-2021. Data analysis shows that the cultural and social characteristics of families such as inadequate parental education, poverty and unemployment, affect the prevalence of sibling violence, and violence among students with lower levels of family background was more prevalent in compare to others.

This study shows that social factors and cultural level within families affect the level of violence between children; therefore, if a society can strengthen the normative and

*corresponding author, Email: seidzadeh@um.ac.ir

cultural components of families through education and the media, it can improve the health of families. The Iranian legislature has taken an important step to combat this type of behavioral violence by passing the Child and Adolescent Protection Act 2020.

Keywords: Domestic Violence, Brother-Sister Abuse, Victim Self-Report, Crime Self-Report, Mashhad High School Students